

تعطیلی ۹۰ در صدمؤسسه‌های قرآنی مشهد

مدیر یک مؤسسه قرآنی اعلام کرد با فراگیری بیماری کرونا و اطلاع‌رسانی نکردن در پر کردن اظهار نامه مالیاتی، مشکلات مؤسسه‌های قرآنی شدت پیدا کرده و اکنون ۹۰ درصد آن‌ها تعطیل شده‌اند. مصطفی حاجی حسنی کارگر در گفتو گو با ایسنا با اشاره به مشکلاتی که اهالی و جامعه قرآنی کشور در شرایط کرونا با آن روبه‌رو شده‌اند، گفت:از مسئولان تقاضا داریم که به فکر مؤسسات قرآنی باشند. تعداد زیادی از این مؤسسات به دلیل بیماری کرونا منحل شده‌اند و توان گرداندن آن به هیچ عنوان وجود ندارد. اگر مؤسساتی مانند مؤسسه انوارالمصطفی که بنده مدیریت آن را بر عهده دارم نیز فعالیت می‌کند به دلیل خروجی‌های آن و افتخاراتی است، که کسب می‌کند، به گفته او مؤسسات قرآنی در آمد ندارند و حتی برخی از آن‌ها برای پرداخت پول آب، برق و گاز خود مشکل دارند. گردش مالی حساب‌های بانکی خیلی از آن‌ها بسیار کم است که حتی آن هم به واسطه کمک خیران است. حاجی حسنی خاطر نشان کرد:پیش از کرونا نیز مشکلات برای مؤسسات قرآنی وجود داشت و مؤسسات قرآنی در حال انحلال بود، اما با شیوع بیماری کرونا و موضوع جرمه مالیاتی مؤسسات، این موضوع بسیار شدت پیدا کرد.

ساخت کتابخانه تخصصی کودک و آینده

معاون اداری و مالی سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد از احداث کتابخانه تخصصی کودک و آینده با هدف توسعه فضا و زیرساخت‌های فرهنگی شهر خیرداد، به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، رضا دانایی درباره کتابخانه تخصصی کودک و آینده، توضیح داد: کتابخانه کودک و آینده تلاش دارد تا در پنج سال آتی به منزله یکی از مهم‌ترین و پویاترین مراکز فرهنگی و آموزشی در شرق کشور عمل کند.

به گفته دانایی این کتابخانه در بوستان کوهسنگی واقع شده و مساحت آن ۳۰۰ مترمربع است. همچنین اعتباری که برای ساخت این پروژه تخصیص یافته مبلغ ۴ میلیارد و ۴۸۵ میلیون ریال است.

شهرداری مشهدسریال رئال عروסקی می‌سازد

اولین سریال بلندترال عروסקی برای نمایش در شبکه سراسری کودک (نهل) به همت اداره آموزش فرهنگ شهروندی در حال ساخت است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرداری مشهد، این سریال با هدف آموزش غیر مستقیم مفاهیم شهروندی ویژه کودکان ۵ تا ۱۲ سال در ۳۰ قسمت بیست دقیقه‌ای در حال تصویربرداری و ساخت است. شخصیت اصلی این سریال، پسر بچهای به نام امید است که در یک سانحه در اثر نیش پشه، بیهوش شده و وارد فضای حشرات حاضر در یک باغ می‌شود. زندگی در این فضا و در کنار حشرات و طبیعت، نکات آموزنده‌ای را برای امید به ارغمان می‌آورد.

رونمایی از اثر جدیدسینماگر خراسانی



مستند «در همسایگی ماه» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی و کارگردانی رضا فرهمند، سینماگر خراسانی، برای اولین بار در جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «هات‌داکس» و در بخش رقابتی رونمایی می‌شود. به گزارش روابط عمومی فیلم، این جشنواره، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رویداد فیلم مستند و بازار فیلم در آمریکای شمالی است و هر سال بیش از ۲۰۰ فیلم در این رویداد به نمایش در می‌آید و حدود ۲ هزار مستندساز تهیه‌کننده، خریدار و توزیع‌کننده فیلم مستند از سراسر جهان در آن حضور دارند. جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «هات‌داکس» که قرار بود از ۱۹ آوریل تا ۹ می (۹ اردیبهشت) به صورت فیزیکی برگزار شود به دلیل بحران کرونا آنلاین برگزار خواهد شد.

تصویربرداری سریال «میدان سرخ» متوقف‌شد

فیلم‌برداری سریال «میدان سرخ» تا زمان عادی شدن شرایط کرونایی به تعویق افتاد. به گزارش روابط عمومی سریال، سعید صفریو مجری طرح سریال «میدان سرخ» درباره وضعیت تولید این مجموعه در نمایش خانگی گفت: تا قبل از اعلام روابط عمومی سازمان سینمایی مبتنی بر توقف تصویربرداری سریال‌ها، روند تولید و ساخت را طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده طی کرده‌ام؛ این روزها به دلیل شیوع گسترده بیماری کرونا برای حفظ سلامتی عوامل، موقت ضبط سریال امیدان سرخ» تعطیل شده است.

به گفته او بیشتر بازیگران سریال جلوی دوربین رفته‌اند و اکنون مراحل فنی این سریال معمای متفاوت، در حال انجام است.

مجری طرح سریال «میدان سرخ» یادآور شد: «میدان سرخ» به کارگردانی ابراهیم ابراهیمیان پر بازیگرترین سریال نمایش خانگی است که به صورت اختصاصی قرار است از فیلمو پخش شود و به‌زودی زمان پخش دقیق آن اعلام می‌شود. حمید فرخ‌زاد، مهتاب کرامتی، بهرام افشاری، کاظم سیاحی، مسعود کرامتی، امید روحانی، بهدخت ولیان، آرمین رحیمیان، با هنرمندی علی مصفا و امیرحسین آرمان بازیگران این سریال هستند. دیگر بازیگران این سریال نیز به‌زودی معرفی خواهند شد.

حذف فیلم‌سینمایی «شاهین» از اکران آنلاین

فیلم «شاهین» که قرار بود از فروردین ۱۴۰۰ در قالب اکران آنلاین نوروزی نمایش داده شود، قبل از شروع اکران از روی ۲ پلتفرم فیلمو و نماوا حذف شد. بنابر اعلام روابط عمومی پروژه، «شاهین» به کارگردانی سسالار طهرانی بر خلاف دارا بودن پروانه نمایش و عقد قرارداد با پخش‌کننده و شروع تبلیغات، توقیف و اکران آنلاین نشده و پیگیری‌های گروه تولیدکننده این اثر از مراجع ذی‌ربط هم به نتیجه نرسیده است. این فیلم به نویسندگی مه‌ران رنجبر و تهیه‌کنندگی آرش سجادی حسینی و علی گلپه‌اران که به ساموئل خاچیکیان فیلم‌ساز فقید سینمای ایران تقدیم شده، تا به حال در بیش از ۱۱ جشنواره جهانی حضور یافته و موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم اجتماعی و بهترین فیلم‌نامه شده است. در این اثر بازیگرانی چون علیرضا کمالی، گلاره عباسی، مه‌ران رنجبر، بهار نوحیان، احسان امانی، فرزین محدث و ریحانه رضی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

شعر

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۱۴۰۱ مردادماه ۱۳۳۶ شماره ۳۳۶۶

۱۵



فرهنگ و هنر

امید حسینی نژاد

هر کسی که دلی در گرو ادبیات فارسی و شعر این مرز و بوم داشته باشد نام پر آوازه محمد تقی بهار مشهور به ملک‌الشعرا را شنیده است. مردی که نه تنها در عرصه شعر و شاعری تبحری مثال زدنی داشت بلکه در عرصه فعالیت‌های سیاسی نیز نمونه بارز یک آزادی‌خواه وطن پرست بود. محمد تقی بهار زاده شهر مشهد و محله سرشور بود. پدرش ملک‌الشعراي آستان قدس در دوره ناصرالدین شاه بود و پس از او در دوره مظفرالدین شاه اهل منصب به او منتقل گردید. زندگی بهار فراز و نشیب‌های بسیاری داشت. گاهی در لباس شاعری خوش‌بین قلم می‌زد و گاهی به عنوان سیاست‌مداری وطن پرست جلوی استبداد زمان خود ایستاد.

چهرزاد بهار، آخرین فرزند محمد تقی بهار اکنون در قید حیات است و در تهران زندگی می‌کند. او سال‌های آخر عمر پدرش را به خوبی درک کرده و حتی در مواقعی برای پدرش روزنامه می‌خواند و پدر را از اتفاقات روز آگاه می‌کرد. او با اینکه خود را برای عمل چشم‌آماده می‌کرد حاضر به گفت و گو با ما شد. چهرزاد بهار که به علت کهنوت سن پدرش نیز او را همراهی می‌کرد بر خسی از زوایای زندگی محمد تقی بهار را در این گفت و گو بیان می‌کند که پیش روی شماس‌ت.

لطفاکمی از خاندان صبوری کاشانی و پدرتان بگویید.

پدرم در ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۰۴ قمری مصادف با ۲۰ تا سال ۱۲۶۵ خورشیدی در مشهد متولد شد. اصالت خاندان پدرم اهل کاشان و نام خانوادگی شان صبور کاشانی بود. یکی از فرزندان به مشهد سفر می‌کند و کارگاه خابرابی ایجاد می‌کند. اما پدر بزرگ من محمد کاظم صبوری کار خابرابی انتخاب نمی‌کند و به دنبال ادبیات و تاریخ فرهنگ ایران زمین می‌رود. مادر پدرم، سکینه، اهل گرجستان بود و دوره عباس میرزا خاندان او به تهران می‌آیند. در ابتدا آن‌ها مسیحی بودند و پس از مدتی مسلمان می‌شوند. فامیل خاندان مادر پدرم تهرانیان بود. پس از مدتی دایی‌های پدرم به مشهد سفر می‌کنند و مقیم مشهد می‌شوند. یکی از پسر دای‌های پدرم، روزنامه خراسان را در مشهد تأسیس کرد و سال‌ها به صاحب امتیازی او این روزنامه منتشر می‌شد. برادر دیگر او عبدالحسین تهرانیان در تهران ماندگار می‌شود و چاپخانه‌ای تأسیس می‌کند.

پدر بزرگم، محمد کاظم صبوری، شاعر ناصرالدین شاه بود و شاه منصب ملک‌الشعراي آستان قدس را به او اهدا کرد. پدر بزرگم سبک خراسانی را برای شعر خود برگزید و بیشتر پیرو سبک شعری امیرمعزی بود. پدرم نیز شب‌ها به همراه پدر بزرگ و مادر بزرگم شاهنامه و شعرهای

همزمان با سالروز درگذشت ملک الشعراي بهار، چهرزاد کوچکترین دختر بهار درباره خاطرات پدر می‌گوید

شاعر عاشق؛ سیاستمدار وطن‌پرست



فرخ‌حال حاجی‌زاده بهار

از دنیا رفت. پس بهار چون نذر کرد تا فرزند پسری به دنیا آورد. با تولد هوشنگ این نذر که «نذر دیگچه مشهدی» می‌نامند با برپا کردن سفره حضرت علی در آخرین چهارشنبه ماه صفر هر سال، بر گزاری می‌شد. هوشنگ تا پایان دبیرستان در کنار خانواده در ایران زندگی کرد. از آن پس برای ادامه تحصیل به هندوستان رفت و آنجا مهندس جنگل داری شد. سپس به آمریکا رفت و در رشته مردم‌شناسی تحصیل کرد. او مدیر عالی‌رتبه دانشگاه بود و توانست کالج اینکا در ایالت نیویورک را به دانشگاه تبدیل کند. علاوه بر دانش مدیریت او انگلیس‌دان برجسته‌ای نیز بود. حاصل ازدواج او با همسر آمریکایی‌اش سه فرزند بود: کسانا، رخشان و رامین که هر سه در آمریکا زندگی می‌کنند.

● بهار همیشه به عنوان شخصیتی آزادی‌خواه مطرح بوده است، اما چرا در دوره پهلوی دوم وزیر فرهنگ می‌شود؟ به خاطر دوستی زیاد با قوام‌السلطنه بود. این دوازدهم دوستی صمیمی داشتند و بسیار به هم علاقه‌مند بودند اما پدرم شاید را او را قبول نداشته است. زمانی که قوام نخست‌وزیر می‌شود، پدرم به اصرار او، وزیر فرهنگ می‌شود و ۶ ماه بیشتر دوام نمی‌آورد و بعد استعفا می‌دهد. می‌گویند زمانی که به خانه آدم، ننشستم بلکه در رختخواب افتادم. این ۶ ماه هم عذاب کشیده بود یعنی اصلا اهل این کار نبود که من فکر می‌کنم یکی از بدترین دوران زندگی پدرم شاید آن ۶ ماه باشد در حالی که وزیر مملکت بود. اما این وزارت را دوست نداشت و به اجبار بود. حتی بعدها قوام می‌گوید با و رئیس فراقسیون دموکرات مجلس شو. این مسئله هم در شعرها و نوشته‌هایش هست که می‌گویند من به‌زور قوام مجبور شدم این کارها را انجام بدهم اما دیگر امکان فعالیت نداشتم که همان موقع برای منالجه به سوئیس می‌رود.

● به نظر شما مادرتان در روحیه مرحوم‌بهار و فعالیت‌های اجتماعی‌اش تأثیر داشت؟ مادرم هیچ وقت پدرم را -برای کارهای سیاسی‌اش نه توبیخ می‌کرد و نه نصیحت. هرگز با گفتن کلمه‌ای او را در مقابل ما نپنجه‌ها کوچک نکرد و از کارهایش انتقاد نکرد. راستش را بگویم مادرم همیشه طرف‌دار کارهای پدرم بود. به زیر بار زور نرفت و تن به خواری ندادن او می‌بالید. در صورتی که همه می‌انستند که اگر پدرم قدری کوتاه می‌آمد زندگی ما خیلی بهتر از آن می‌شد که بود، یعنی دست‌کم دیگر تنگدستی، خانواده‌ما را تحت فشار قرار نمی‌داد.

از این‌روی باید بگویم که «بهار جون» در تمام کارها به نوعی شریک واقعی پدرم بود، من حتی او را به طور غیر مستقیم در خلق آثار ادبی و تحقیقات پدرم شریک می‌دانم زیرا او با کمترین امکانات بهترین وضع را برای پدرم فراهم می‌ساخت. برای نمونه وقتی پدرم خانه به مطالعه یا نوشتن مشغول بود، یعنی در تمام روز و حتی پاسی از شب، ما بچه‌ها حق نداشتم نزدیک اتاق او سروصدا کنیم، مادرم همیشه به ما تذکر می‌داد که «آقا» کار می‌کند، نزدیک اتاقش سروصدا راه نیندازد.

این راهم بگویم که پدرم، مادرم را «بهار جون» صدا می‌کرد و مادرم او را «آقا». بعد از اینکه مادر بزرگم مرد، به مادرم ارث کوچکی رسید که ما همه آن را در اختیار پدرم و ما بچه‌ها گذاشت. حقیقت را بگویم، برای مادرم اول و مهم‌تر از همه کس و همه چیز پدرم بود و بعد ما بچه‌ها و بعد... و بی‌شک به همین دلیل است که پدرم چند بار در شعرهایش از مادرم به نیکی بسیار یاد کرده است.

این اتفاق به ۲۹ یا ۳۰ سالگی پدرم بازمی‌گردد. او در آن زمان، منزلی در محله آب سردار داشت که آنجا را اجاره کرده بود. تنهایی پدر را خسته کرده بود و به آقای معصم‌السلطنه فرخ که پسر خاله من است دوستی عمیقی با پدرم داشت، گفته بود زنی بسیار محترم و با شخصیت می‌خواهم. او هم به پدرم می‌گوید من خواهرزنی دارم که خاتم بسیار خوبی است و به نظر بهترین کار این است بد شما با ایشان ازدواج کنید. پدرم گفته بوده من که نمی‌توانم صورتش را ببینم. دوستش می‌گویند من به تو می‌گویم که صورتش بد نیست و خوب است. ولی باز می‌توانی از دور ایشان را ببینی. مراسم عزاداری ماه محرم در منزل فرخ بود که مادرم و خاله‌ام رد می‌شوند و فرخ مادرم را به پدرم نشان می‌دهد و پدر می‌گوید که برویم خواستگاری. آن زمان نامزدی نبود و عقد می‌کردند و بعد هم که نامه‌هایشان شروع می‌شود. مادر بزرگم اجازه نمی‌دهد که تا وقت ازدواج هم را ببینند و این می‌شود که نامه‌نگاری می‌کنند. نام خانوادگی مادرم بهار شد و پدرم همیشه او را «بهار جون» صدا می‌زد و طوری شده بود که دیگران هم او را بهار جون خطاب می‌کردند. نامه‌هایشان بسیار زیباست که آن‌ها را در اختیار علی میرانصاری قرار دادم و نزدیک ۲۰ سال قبل، سازمان اسناد ملی چاپ کرد. پدرم نامه زیبایی به مادرم قبل از ازدواج نوشته که بسیار خواندنی است.

مشروطه به چه صورت بوده است؟

در روزهای انقلاب مشروطه پدرم در مشهد حزب دمکرات را تأسیس و فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد. روزنامه نویسی‌هایش نیز از آن زمان شروع شد. یعنی بهار از ۲۱- ۲۰ سالگی روزنامه‌نگاری می‌کرده است. اول با روزنامه‌هایی مثل کلکته و جاهای دیگر کار می‌کرده و مقاله می‌داده است که به اسم خودش هم نمی‌نوشته چون دردسر داشته است. بعد در مشهد روزنامه نوبهار و تازه بهار را تأسیس می‌کند و یکی از آن‌ها را چون با روس‌ها مخالفت می‌کرده، روس‌ها تعطیل می‌کنند.

ماجرای ازدواج مرحوم بهار با مادرتان چگونه صورت گرفت؟

یادی از سهراب سپهری، شاعر تصاویر

در ستایش زندگی

سهراب سپهری در سال ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد و اول اردیبهشت ۱۳۵۹، بر اثر بیماری، چشم از جان فرو بست.

از او آثار زیادی بر جای مانده که تنوع درخوری هم در آن‌ها به چشم می‌خورد. سهراب یک نقاش برجسته بود و همین خصلت را به جهان شعر آورد. او دستی هم بر نوشتن و ترجمه داشت و فرد مطلع و باسوادى در زمانه خودش به شمار می‌رفت؛ اما اسیر ژست‌های روشن‌فکری مرسوم آن روزگار نشد. در سبک شعر، پیرو نیما یوشیج بود و در چهارچوب شعر نیمایی واژه‌ها را به خدمت خود درمی‌آورد؛ اما به لحاظ مضمونی، یک شاعر شیفته طبیعت و طرف‌دار صلح، عرفان، ارزش‌های انسانی و فلسفه بود. محور اصلی آثار سهراب سپهری، در همین شعر معروفش خلاصه شده که «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید».

حضور می‌یافت و ترجیح می‌داد حتی اگر به دنبال تجربه‌های تازه است، سفرهای مردم‌شناسانه را در



حضور می‌یافت و ترجیح می‌داد حتی اگر به دنبال تجربه‌های تازه است، سفرهای مردم‌شناسانه را در

برنامه زندگی خود بگنجاند. سهراب بیش از هر چیزی شاعر زندگی و امید است که نقش مهم طبیعت در اشعارش نیز از همین نگاه امیدوارانه به جهان و شوق به زندگی کردن در روزگاری تازه ناشی می‌شود.

او معتقد بود انسان برای تبدیل شدن به موجودی بهتر، قِبل از هر چیز، باید جهان را بهتر ببیند و به درک درست‌تری از پیرامونش برسد. بکرترین گزینۀ درباره انسان برای اندیشیدن هم طبیعت است که زیبایی‌هایش را بی‌دریغ به انسان هدیه می‌کند. تنها کاری که باید انجام دهیم، این است که طبیعت را گرامی بداریم و از دل همین نگرش لطیف به جهان، عشق ورزید و به انسان‌ها را هم سرلوحه کار خود قرار دهیم.

منش سهراب مبتنی بر سادگی و بی‌ادعا بودن است که ترجیح می‌دهد، به جای تصایح پیچیده و سنگین به مخاطب، او را به اندیشیدن و نگاه تازه دعوت کند. آثار مکتوب سهراب نیز در مجموعه ارزشمند «هشت کتاب» گردآوری شده که بخش‌های قدرناپذیر در آن فراوان است. از بخت بد، جامعه روشن‌فکری امروز ایران به شاعرانی که به عمد ساده می‌سرایند و بی‌ادعا به مضامین انسانی می‌پردازند، چندان اقبالی ندارد. با این حال، سهراب سپهری همواره شمایل یک نسل امیدوار و شایق به زندگی بوده و نامش در تاریخ ادبیات ایران ماندگار خواهد بود.